

معنی کلمات

غنیمت شمردن: سود بردن از چیزی، استفاده کردن پیامد: نتیجه امیر: حاکم، فرمانروا حقیر: خوار، کوچک
خادم: خدمتگزار، مستخدم اندیشه مدار: نترس خلد: بهشت، دوام، بقا دفع شود: دور شود ناگوار: ناخوشایند
سیرت: خلق و خو، روش توپره: کیسه بزرگ از بهر: برای تکبر: بزرگی نمودن، غرور روضه: باغ، گلزار
مشتاق: آرزومند شکوهمند: باشکوه، با عظمت سیما: چهره سعادت: خوشبختی

معنی عبارت های مهم درس پیام آور رحمت

طنین دلنشین کلام ایشان، فراتر از جغرافیای فرهنگی تاریخ بشری است و جانهای پاک، پیوسته مشتاق شنیدن آن هستند.
معنی: پیام و آهنگ زیبا و دل انگیز سخنان پیامبر(ص)، بسیار گسترده‌تر و فراتر از محدوده فرهنگهای تاریخ بشری است و وجود تمام انسانهای پاک، همواره و همیشه عالقۀ مند شنیدن آن پیامها و سخنان ناب است.
آرایه های ادبی: جان های پاک: مجاز از انسان های درستکار

پیام پیامبر(ص)، گنجینه و آبشخوری است که انسانیت، همواره برای تازگی و شکوفایی و شکوهمندی خود بدان، نیازمند است.
معنی: پیام ها و سخنان پیامبر (ص) هم چون گنج با ارزش و سرچشمه ای است که انسان های صالح و درستکار همواره برای تازگی، شادابی، بزرگی و شکوه خود به آنها نیازمند هستند.
آرایه های ادبی: تشبیه پیام پیامبر به گنجینه و آبشخور
تشبیه پنهان انسانیت به گل ⇐ با نسبت دادن صفت های تازگی و شکوفایی

ای ابودر، خداوند متعال به سیمای ظاهر و دارایی ها و گفته هایتان نمینگرد؛ بلکه به دله ها و کردارتان می نگرد.
معنی: ای ابودر خداوند بلند مرتبه به زیبایی و چهره ظاهری و اموال و سخنان شما توجه نمیکند، بلکه به اعمال و رفتار و باطن قلبتان توجه میکند.

ای ابودر، پنج چیز را پیش از پنج چیز، غنیمت شمار: جوانیات را پیش از فرا رسیدن پیری، تندرستی‌ات را پیش از بیماری، بی‌نیازی‌ات را پیش از نیازمندی، آسایش‌ت را پیش از گرفتاری و زندگی‌ات را پیش از مرگ.
معنی: ای ابودر قبل از اینکه پیر شوی قدر جوانی خود را بدان، پیش از بیمار شدن قدر سلامتی خودت را بدان. پیش از اینکه به کسی محتاج شوی قدر بی‌نیازی‌ات را بدان و نگذار نیازمند خلق خدا شوی. راحتی و آسایشی که داری را قدر بدان و نگذار به گرفتاری تبدیل شود. و در نهایت پیش از مردن و تا زنده ای ارزش زندگی را بشناس و آن را تلف نکن.
آرایه های ادبی: تضاد و تقابل در جوانی و پیری، تندرستی و بیماری، بی‌نیازی و نیازمندی، آسایش و گرفتاری، زندگی و مرگ

ای ابودر، اگر درباره چیزی که به آن علم نداری، از تو پرسیده شود، بگو نمیدانم تا از پیامدهای ناگوار آن در امان بمانی.
معنی: ای ابودر، اگر درباره چیزی که علم و شناخت نداری از تو پرسش شود، بگو که پاسخ آن را نمیدانم تا از اتفاقات و حوادث ناخوشایند آن در امان و آسوده باشی.

آرایه های ادبی: تناسب معنایی دارد با: کمال است در نفس انسان، سخن / تو خود را به گفتار، ناقص مکن (سعدی)

ای ابوذر، به اندازه نیاز، سخن بگوی. گشاده روی و خندان باش که خدای تعالی، گشاده روی و آسان گیر را دوست دارد.
معنی :ای ابوذر، سخنان بیپوده و نادرست را نگو و به اندازه نیاز خود، حرف بزن و همیشه خندان و شاداب باش. زیرا خدای بلند مرتبه، انسان خندان و با گذشت را دوست دارد.

آرایه های ادبی : بگوی و روی :سجع
گشاده رو بودن :کنایه از خوش برخوردی با دیگران
آسان گیر :کنایه از با گذشت بودن

صفحه ۹۳

ای ابوذر، هم نشین نیک بهتر از تنهایی و تنهایی، بهتر از هم نشین بد است. مَثَلِ مؤمنان، جمله چون یک تن است؛
چون یک اندام را رنجی رسد، همه اندام ها آگاهی یابند و رنجور شوند.

معنی :ای ابوذر، دوستی با آدم های خوب بهتر از تنهایی است، اما تنهایی بهتر از دوستی و معاشرت با افراد بد و دوستان ناباب است. رابطه مؤمنان با یکدیگر مانند رابطه اعضاء بدن با یکدیگر است که وقتی یکی از اعضا آسیب می بیند همه اعضا آگاه می شوند و رنج می برند و ناراحت می شوند.
آرایه های ادبی : تکرار :همنشین و تنهایی
تضاد :بین نیک و بد تمثیل (تشبیه ارتباط مؤمنان به رابطه اعضای بدن با هم)

ای ابوذر، مبدا با برادر مسلمان قهر کنی؛ زیرا کردار شایسته در هنگام قهر، به درگاه پروردگار پذیرفته نمی شود.
مومن برای رهایی از گناه و نافرمانی، بیش از گنجشک در قفس، تلاش می کند.

معنی :ای ابوذر، هرگز خشونت را با مسلمانان دیگر شریک ندهید، زیرا در هنگام عصبانیت حتی اعمال نیک و پاداش شما مورد قبول خداوند قرار نمی گیرد. برای آلوده نشدن به گناه بسیار تلاش کن مثل گنجشکی که در قفس برای آزادی تلاش می کند.
آرایه های ادبی :برادر مسلمان مجاز از تمام هم کیشان (مسلمانان)
تمثیل (تشبیه تلاش مومن برای دوری از گناهان جسمانی و فکری به تلاش گنجشک در قفس برای آزادی)

مَثَلِ مؤمنان، جمله چون یک تن است؛ چون یک اندام را رنجی رسد، همه اندام ها آگاهی یابند و رنجور شوند.

معنی : مثل مؤمنان، همگی مثل اندام یک بدن است، وقتی به یکی از اندام آسیب و رنجی برسد
تمام اندام ها با خبر میشوند و رنجور و ناراحت میشوند

حکایت سیرت سلمان

سلمان فارسی بر لشکری امیر بود. در میان رعایا چنان حقیر می نمود که وقتی خادمی به وی رسید،
گفت :این تو بره کاه، بردار و به لشکرگاه سلمان بر.

معنی :سلمان فارسی امیر و فرمانده لشکری بود.

در میان مردم آن قدر خود را کوچک نشان می داد که وقتی خدمتکاری به او رسید، گفت : این کیسه بزرگ کاه بردار و به اردوگاه سلمان ببر.
چون به لشکرگاه رسید، مردم گفتند :امیر است).

معنی :زمانی که به اردوگاه لشکر رسید، مردم گفتند :او امیر و فرمانده است.

آن خادم بترسید و در قدم وی افتاد.

معنی :آن خدمتکار ترسید و از سلمان عذرخواهی کرد.

سلمان گفت : به سه وجه، این کار را از برای خودم کردم، نه از بهر تو، هیچ اندیشه مدار.

معنی :سلمان گفت : به سه دلیل، این کار را برای خودم انجام دادم، نه به خاطر تو، نگران نباش.

اول آنکه تکبر از من دفع شود؛ دوم آنکه دل تو، خوش شود؛ سوم آنکه از عهده حفظ رعیت، بیرون آمده باشم.

معنی: اول بخاطر اینکه خودخواهی و غرور از من دور شود؛

دوم به این دلیل که تو خوش حال شوی؛ سوم آنکه مسئولیت خودم را که همان مواظبت از مردم است، انجام داده باشم

معنی لغت:

امیر : فرمانده رعایا : جمع رعیت ، عموم مردم حقیر : کوچک و بی ارزش توبره : کیسه بزرگ
وجه : دلیل اندیشه : ترس تکبر : خود بینی و غرور هیچ : اصلاً ، هرگز
سیّم : صورت قدیمی سوم روضه : باغ خلد : بهشت

تاریخ ادبیات:

کتابی است از مجد خوافی در قرن هشتم به تقلید از گلستان سعدی نوشته است.



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد